

به مناسبت چهلین سالگرد درگذشت

جیمزدین

جیمزدین شورشی شیوه‌گرا

«جیمز بیرون دین، هشتم فوریه سال ۱۹۳۱ در شهر فیرمونت، واقع در ایالت ایندیانا ای آمریکا متولد شد. جیمز از کودکی به نمایش و بازیگری علاقمند بود. وی در خانه با کمک مادر و عروسک‌های خود به اجرای نمایش می‌پرداخت. در نه سالگی مادرش بر اثر بیماری سرطان درگذشت. مرگ مادر، درماندگی و وضعیت مالی نامطلوب پدر سبب گشت وی به عمه‌اش «آرتنه» نیزلو» سپرده شود. به این ترتیب جیمز تا اتمام تحصیلات دوره دبیرستان نزد عمه و عموی خویش زندگی کرد. او طی تحصیل به بازیگری و اجرای نمایش روی آورد و تحت آموزش «آدلین نال» مدرس بازیگری در مسابقات هنری شرکت کرد، و توانست مقام بهترین بازیگر را کسب نماید.

سال ۱۹۴۹ به کالیفرنیا جنوبی رفته و وارد کالج سانتامونیکا می‌گردد، یکسال بعد از همین کالج به دانشگاه UCLA راه پیدا کرده و در رشته تئاتر ثبت نام می‌کند. با بازی در یک آگهی تبلیغاتی کار حرفه‌ای خود را آغاز می‌کند و همزمان در نقش‌های کوتاهی از فیلم‌های «نیزه‌های استوار»، «کسی دختر مرا دیده؟» حضور یافته و در رادیو نیز شروع به فعالیت می‌کند. در سال ۱۹۵۱ به توصیه یکی از استادانش به نام «جیمز ویتنور» راهی نیویورک شد و در تئاتر برادوی به بازیگری پرداخت. وی با ایفای نقش پسر بچه‌ای عامی در نمایش «هلنگ دریا» مورد تحسین و تشویق منتقدان قرار گرفت. در همان سال‌ها جیمز علاوه بر تئاتر، در نقش‌های کوتاه تعدادی از برنامه‌های تلویزیونی نیز ظاهر می‌گردد. سال ۱۹۵۴ آغاز دوران شکوفایی و نوید ظهور استعداد بی‌پایان جیمز دین با نقش آفرینی در نخستین فیلم بلندش «شرق بهشت» ساخته الیا کازان بود. او در این فیلم در نقش جوانی سرکش، پریشان و عصیانگر حضور یافته و بتدریج به اوج می‌رسد. جیمزدین شخصیتی انقلابی و نمودی از آشوب و اعتراض جوانان دهه پنجاه بوده الیا کازان در باره وی می‌گوید:

«جیمز همیشه آدمی تکرو، لجوج، اخمو و مغرور به نظر می‌رسید. شاید همین ویژگی‌های او بود که برای نقشش در فیلم مناسب تشخیص داده شده»

خانم وینزو نیز درباره جیمزدین می‌گوید:

«در او چیزی متفاوت‌تر از دیگران وجود نداشت. تنها او قدرتی عجیب داشت که انسان را با احساساتش همراه می‌کرد.»

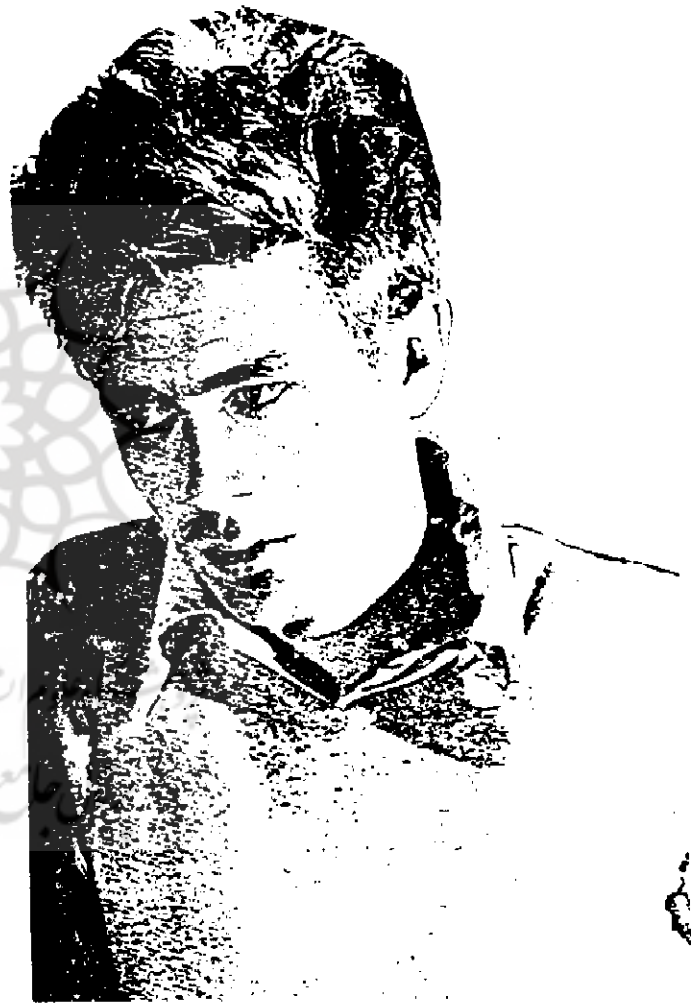
نمایش «شرق بهشت» موفقیت چشمگیری برای جیمز به ارمغان آورد و او را تبدیل به یک ستاره کرد.

یکی از منتقدان هالیوود در باره او نوشت:

«من مبهوت و شگفت زده‌ام، به هیچ وجه نمی‌توانم به یاد بیاورم که تاریخ سینما زمانی این گونه مرد جوانی را با چنین نیرویی ... با این استعداد عظیم و خلاق به خود دیده باشد.»

«شورش بی‌دلیل» (۱۹۹۵) ساخته نیکلاس ری، دومین فیلم بلند جیمز دین بود که در آن به نقش جوانی ظاهر گشت که آرزو داشت دیگران او را درک کنند. ژرژ سادول منتقد سینما در باره این فیلم می‌نویسد:

«تصویر تکان دهنده‌ای که جیمز دین از جوانی رنج‌دیده به دست می‌دهد. تصویری از شخصیت خود اوست و بلوچین و کاپشن



حسین تقی‌پور



استادانه‌تره تواضع احساسات، وجودی ناب و اخلاقی ... تمایل
همیشگی جوانان به اینگونه شهامت پذیری... و تأسف از اینکه
جوان همیشه خود را جدا از جامعه احساس می‌کند.»

آخرین فیلم جیمز دین **عول (۱۹۵۶)** ساخته جورج استیونس
است. او در این فیلم نیز با یکی دیگر از کارگردانان سرشناس
آمریکا همکاری نمود، با این تفاوت که استیونس برخلاف الیا
کازان و نیکلاس ری اعتقادی به بازیگران شیوه‌گرا نداشت. وی تابع
الگو و متدهای قدیمی هالیوود بود. دنس هاپر همبازی جیمی در
فیلم می‌گوید: «جیمز دین جزو اولین بازیگران سینما بود که
فی‌البداهه کار می‌کرد، آن هم در زمانی که همه بازیگرها، کلمه به
کلمه فیلمنامه‌هایشان را از حفظ بودند. من از درس‌های بسیاری
فرا گرفتم. او می‌گفت: آدم باید نسبت به همه چیز، باز نگاه کند.»

جورج استیونس بعدها در مصاحبه‌ای درباره جیمز دین می‌گوید:
«او شخصیت فیلم را به درستی می‌شناخت. این نهایت قدردانی و
احترام من است که از او به عنوان یک هنرپیشه انجام می‌دهم.»

سرانجام جیمز دین در سن ۲۴ سالگی بر اثر تصادف در یکی
از بزرگراه‌های کالیفرنیا جان خود را از دست داد. مرگ ناپنکاش
نیز عصیان همیشگی او را جاودان نمود و اسطوره او را اسدی
ساخت. وی تنها با سه فیلم به افسانه‌ها پیوست. مارتین شین در
مصاحبه‌ای گفت: «اگر بارلون براندو روش بازی مردم را تغییر داد،
جیمز دین روش زندگی مردم را دگرگون نمود.»

او، طی دهه پنجاه، لباس رسمی سایر «شورشیان بی‌دلیل» گردید.
این بررسی چشمگیر جوانان بی‌آرام، روحیات لطیف و با طعنه
آمیزشان قطعاً یکی از بهترین فیلم‌های شخصی نیکلاس ری است.
موفقیت و تسلط جیمز دین باعث گردید، نیکلاس ری، هنگام
فیلمبرداری به او آزادی عمل بیشتری بدهد. جیم باکوس، همبازی
دین، در این باره می‌نویسد: «باید بگویم که اولین بار در تاریخ سینما
بود که جوانی بیست و چهار ساله، که تنها تجربه بازی در یک فیلم را
داشت می‌توانست عملاً به این راحتی، با کارگردان فیلم همراه شود.
جیمی بر رتالیسم مطلق پافشاری می‌کرد و وقتی که به گذشته می‌نگرم
متحیر می‌شوم که چگونه توانسته‌ایم چنین صحنه‌های پر قدرت را
بگیریم بدون آنکه کسی زخمی شود.»

دین برای ارائه نقش خود در فیلم «شورش بی‌دلیل» به میان
گروه‌های جوانان لوس آنجلسی رفته و از نزدیک با خلیقات و
روحیات آنان آشنا می‌گردد. او که از بازیگران شیوه‌گرا - آکتورز
استودیو - بود در این باره می‌نویسد: «من اخلاقاً احساس مسئولیت
می‌کنم که به این جوانان یک آلترناتیو را نشان دهم - همان چیزی
که نیکلاس ری انجام داد - از این رو در پی یک آمیختگی
رتالیستی هستم و همچنین در پی پایانی آشتی‌ناپذیر برای فیلم
شورش بی‌دلیل.» جیمز دین برای ایفای نقش در این فیلم مورد
تحسین فراوان قرار گرفت. فرانسوا تروفو، فیلمساز فرانسوی درباره
او گفت:

«جوانی در وجود جیمز دین دوباره متولد می‌شود. نه آن چیزی
که ما به طور معمول از دیگران سراغ داریم، بلکه اساساً به گونه‌ای

در تحریر این مقاله‌ای تحت عنوان بازیگران شیوه‌گرا، ترجمه شهریار رحمانی بود.
او (مرنگ و سیما، شماره ۲۴، استفاده شده است.